



Res. article

Formal and Substantive Idioms in Persian: The Case of “Agar (if)-Constructions”

Sasan Maleki^{1✉}, Mohammad Rasekh-Mahand²

1- Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran. 2- Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

Received: 2020/06/05

Accepted: 2020/08/11

Abstract

The following paper aims at investigating Persian formal and substantive idioms which include “agar (if)” within the framework of construction grammar. Conventionally, “agar (if)” is used in Persian conditional sentences. Following Fillmore et al. (1998), this study attempts to investigate the peculiar syntactic, semantic and phonological features of “agar (if)-constructions” which differentiate them from the regular conditional sentences. Formal “agar (if)-constructions” indicate weak possibilities, denial, certainty, persuasion, emphasis, and threat while substantive “agar (if)-constructions” denote wishes, haste, requests, impossibilities, and objection. The findings showed that formal “agar (if)-constructions” are inclined towards unfamiliar syntactic structures while substantive “agar (if)-constructions” tend to prefer familiar syntactic constructions. Moreover, changes in the word order and the tense could change the idiomatic interpretation in both formal and substantive idioms. Falling intonation is also an idiosyncratic feature in some formal and substantive “agar (if)-constructions”.

Keywords: construction grammar, formal idioms, substantive idioms, syntactic order, agar (if)-constructions.

Citation: Maleki, S., Rasekh-Mahand, M. (2021). Formal and Substantive Idioms in Persian: The Case of “Agar (if)-Constructions”. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 9 (34), 109-126. (In Persian)





اصطلاحات صوری و جوهری در زبان فارسی: مطالعه موردی برخی «اگر»-ساخت‌ها

ساسان ملکی^۱، محمد راسخ‌مهند^۲

۱- استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران. ۲- استاد زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۷

پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۹

چکیده

نوشتار پیش رو از منظر دستور ساختی آن دسته از اصطلاحات صوری و جوهری را در زبان فارسی بررسی می‌کند که نشانه «اگر» دارند. در حالت متعارف، نشانه «اگر» در جملات شرطی به کار می‌رود. برای این هدف، با در نظر گرفتن نظرات فیلمور و دیگران (۱۹۹۸)، شواهد فرهنگ فارسی عامیانه (۱۳۸۷) بررسی شده است. اصطلاحات صوری شامل «اگر»، مفاهیمی همچون احتمال ضعیف، انکار و نفی، قطعیت، ترغیب و شرط‌بندی، تأکید و تهدید را بیان می‌کنند و اصطلاحات جوهری شامل «اگر»، بیان‌گر مفاهیمی نظیر آرزو، تعجیل، خواهش، امر محال و اعتراض هستند. یافته‌ها نشان داد که اصطلاحات صوری، به توالی نحوی غیر متعارف تمایل دارند، اما اصطلاحات جوهری به توالی نحوی متعارف گرایش دارند؛ همچنین، جابه‌جایی در توالی نحوی و تغییر زمان افعال در برخی اصطلاحات صوری و جوهری، موجب خروج آن‌ها از مفهوم اصطلاحی می‌شود. آهنگ کلام نیز یک ویژگی ساختی متمایزکننده در برخی اصطلاحات صوری و جوهری است.

کلیدواژه‌ها: دستور ساختی، اصطلاحات صوری، اصطلاحات جوهری، توالی نحوی، اگر-ساخت.

استناد: ملکی، ساسان؛ راسخ‌مهند، محمد (۱۴۰۰). اصطلاحات صوری و جوهری در زبان فارسی: مطالعه موردی برخی «اگر»-ساخت‌ها.

فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۹ (۳۴)، ۱۰۹-۱۲۶.



۱- مقدمه

در نگرش‌های مختلف زبان‌شناسی، اصطلاحات با نگاه‌های گوناگون تعریف، تحدید و توصیف می‌شوند؛ برای مثال، در نگرش زایشی بر ویژگی ترکیب‌ناپذیری^۱ در اصطلاحات تأکید شده است. ترکیب‌ناپذیری به این مفهوم است که معنای یک عبارت، برابر با معانی تحت‌اللفظی اجزای سازنده آن عبارت نباشد (کتز و پستال^۲، ۱۹۶۳؛ ماکونیس^۳، ۱۹۸۵؛ وان در لیندن^۴، ۱۹۹۲؛ کوچی^۵، ۱۹۶۸؛ وود^۶، ۱۹۸۶: ۲)؛ همچنین، براساس نگاه زایشی، هیلی^۷ (۱۹۶۸) سه نوع آزمون حذف، جابه‌جایی، گسترش و گشتارپذیری را برای تشخیص اصطلاح‌بودن یک عبارت معرفی می‌کند و فریزر^۸ (۱۹۷۰)، سلسله‌مراتب انجماد نحوی را در اصطلاحات بررسی می‌کند.

در دیدگاه شناختی، با طرح سازوکارهای شناختی مجاز، استعاره و دانش قراردادی^۹، اصطلاحات را پدیده‌هایی انگيخته^{۱۰} و ترکیب‌پذیر در نظر می‌گیرند (کوچش و سابو^{۱۱}، ۱۹۹۶). ترکیب‌پذیری اصطلاحات از منظر شناختی به این معناست که این‌گونه عبارت‌ها را حاصل نظامی مفهومی می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان انگیزه‌ای شناختی بین اجزای تشکیل‌دهنده یک اصطلاح و معنی کلی آن تصور کرد؛ بنابراین، براساس نگاه زایشی، ارتباط معنایی بین صورت اصطلاحی «سرش‌شدن»: «آدم باورش نمی‌شود یک سگ این همه چیز سرش بشود» (میرصادقی، ۱۳۴۹: ۴۳) و مفهوم اصطلاحی «فهمیدن» وجود ندارد، اما از منظر زبان‌شناسی شناختی، این اصطلاح برپایه استعاره «فهمیدن، سر است» انگيخته و ترکیب‌پذیر به‌شمار می‌آید؛ البته، باید خاطر نشان ساخت که تلقی ترکیب‌ناپذیربودن اصطلاحات در یک دیدگاه و ترکیب‌پذیربودن آن‌ها در دیدگاهی دیگر، لزوماً یکدیگر را نفی نمی‌کنند؛ به کلامی دیگر، در دیدگاه زایشی، اصطلاحات را ترکیب‌ناپذیر می‌دانند؛ زیرا اصطلاحات را همچون واژه‌ها، پدیده‌هایی زبانی به‌شمار می‌آورند که رابطه صورت-معنا در آن‌ها قراردادی است و در دیدگاه شناختی، اصطلاحات را ترکیب‌پذیر می‌دانند؛ زیرا به اصطلاحات به‌مثابه پدیده‌هایی مفهومی نگریسته می‌شود.

1. non-compositionality
2. J. Katz & P. Postal
3. P. A. Machonis
4. Van der Linden
5. J. G. Kooij
6. M. Wood
7. A. Healey
8. B. Fraser
9. conventional knowledge
10. motivated
11. Z. Kovecses & P. Szabo

اضافه بر نگاه‌های پیش‌گفته، دستور ساختی^۱، یا همان نگاه شناختی به دستور زبان، از منظری دیگر به دامنه اصطلاحات می‌نگرد. در دیدگاه ساختی، هر الگوی زبانی که حداقل بخشی از آن به‌طور مستقیم از اجزاء سازنده قابل استنباط نباشد، یک «ساخت» به‌شمار می‌آید و اصطلاحات، بخشی از ساخت‌های هر زبان هستند (گلدبرگ و ساتل^۲، ۲۰۱۰). در میان انواع ساخت‌ها، فیلمور^۳ و دیگران (۱۹۸۸) اصطلاحات صوری^۴ و جوهری^۵ را بحث می‌کنند؛ البته، اصطلاحات صوری با اسامی دیگر نیز معرفی شده‌اند؛ برای مثال، لانگاکر^۶ (کرافت و کرووز^۷، ۲۰۰۴: ۲۳۴)، آن‌ها را اصطلاحات طرح‌واره‌ای^۸ می‌نامد و کالی‌کاور^۹ و دیگران (۲۰۱۷)، اصطلاحات صوری را ذیل عنوان کلی «ساخت»، بحث می‌کنند. اصطلاحات صوری، اصطلاحات مبتنی بر طرح‌واره و دارای واژگان باز^{۱۰} هستند؛ یعنی آنکه به‌طور بالقوه، دامنه‌ای از واژگان در یک طرح‌واره جای می‌گیرند و کلیت مفهوم یک طرح‌واره بر اجزای اضافه شده اعمال می‌شود. در مثال‌های (الف و ۱ ب)، اصطلاح صوری «حالا + فعل نهی + کی + فعل امر»، بر مفهوم «استمرار» دلالت دارد:

(الف: «گریه را سر دادم و حالا گریه نکن کی گریه کن.» (آل احمد، ۱۳۳۱: ۱۰۷)

ب: «این را گفت و حالا نزن کی بز.» (مینوی، ۱۳۴۹: ۱۱۴).

مثال (۲)، یک اصطلاح جوهری به مفهوم «چاره‌ای نبودن»، است. اصطلاحات جوهری دارای واژگان بسته^{۱۱} هستند. به‌طور کلی، هر اصطلاحی که صوری نباشد، جوهری است.

(۲) «این است که هست: می‌دانم که خیلی دوستش نداری... خودمانیم، یک‌خورده هم بدقواره است. ولی خوب، این است که هست.» (فرمان‌فرماتیان، ۱۳۵۶: ۱۱۱).

در زبان فارسی، هرچند اندک، به مطالعه اصطلاحات از منظر زبان‌شناسی نظری پرداخته شده است. بررسی شناختی اصطلاحات فارسی (راسخ‌مهند و شمس‌الدینی، ۱۳۹۱)، طبقه‌بندی افعال اصطلاحی

1. Construction Grammar
2. A. Goldberg & L. Suttle
3. Ch. J. Fillmore
4. formal
5. substantive
6. Langacker
7. W. Croft & D. A. Cruise
8. schematic
9. W. Culicover
10. open
11. closed

(طیب‌زاده، ۱۳۹۳) و بررسی تغییرپذیری در اصطلاحات دارای نام‌اندام سر در زبان فارسی (ملکی و راسخ‌مهند، ۱۳۹۸) از جمله این بررسی‌ها هستند.

پژوهش حاضر، از دریچه نگاه ساختی به بررسی گروهی از اصطلاحات صوری و جوهری در زبان فارسی می‌پردازد که دارای نشانه «اگر» هستند. در زبان فارسی، «اگر» بالاترین بسامد را در جملات شرطی دارد (بقایی و نغزگوی کهن، ۱۳۹۷) و اصلی‌ترین و مهم‌ترین حرف ربط شرط است (ابن‌الرسول و دیگران، ۱۳۹۵). ساخت‌های شرطی، شامل بند پایه و بند وابسته هستند که وقوع پدیده یا وضعیتی را به وقوع پدیده یا وضعیتی دیگر مشروط می‌سازند (کبیری و درزی، ۱۳۹۴)؛ برای مثال، «اگر درس بخوانی، حتماً در امتحان نمره خوبی می‌گیری»، یک ساخت شرطی است که در آن، «نمره خوب گرفتن» به «درس خواندن» مشروط شده است. در پژوهش حاضر برآنیم تا ساخت‌های شامل «اگر» را از منظر غیر شرطی بودن، تحلیل کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که «اگر»-ساخت‌های غیر شرطی، از چه ویژگی‌های منحصربه‌فرد معنایی، نحوی و آوایی برخوردار هستند که آن‌ها را از ساخت شرطی متمایز می‌سازد؟

۲- روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر، تحلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد معنایی، نحوی و آوایی «اگر»-ساخت‌های صوری و جوهری است. در فرهنگ فارسی عامیانه (۱۳۸۷)، شواهدی ذکر شده است که در آن‌ها، «اگر»-ساخت‌ها مفاهیمی همچون انکار و نفی، آرزو، احتمال، هشدار و... را بیان می‌کنند که شرطی نیستند. در ابتدا، از فرهنگ فارسی عامیانه (۱۳۸۷)، همه «اگر»-ساخت‌های غیر شرطی استخراج و سپس، ساخت‌های استخراج شده را از منظر صوری بودن یا جوهری بودن بررسی شد و در آخر، به تحلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد معنایی، نحوی و آوایی هریک از ساخت‌ها پرداخته شد که آن‌ها را از ساخت شرطی متمایز می‌کند. شواهد تحلیل، با ذکر منابع اصلی بیان می‌شوند.

۳- چارچوب نظری

دستور ساختی، همان نگاه شناختی به دستور زبان است. دستور ساختی برپایه بررسی اصطلاحات شکل‌گرفت (کرافت و کروز، ۲۰۰۴: ۲۲۵) و نگرش مقابل نگاه مؤلفه‌محور زایشی است. در نگرش زایشی، برای واحدهای دستوری فراتر از واژه، ویژگی‌های منحصربه‌فرد ساختی لحاظ نمی‌شود. به کلام دیگر، براساس این نگرش، هر ساختار دستوری فراتر از واژه را می‌توان برپایه قواعد معمول نحوی تحلیل کرد

و نیازی به تحلیل واحدی به نام «ساخت» وجود ندارد (کرافت و کروز، ۲۰۰۴: ۲۸). در دستور ساختی، الگوهای زبان به مثابه «ساخت» تلقی می‌شوند و محدوده این ساخت‌ها شامل واژه‌ها، اصطلاحات، ساخت‌های موضوعی، موصولی و مجهول هستند (گلدبرگ و ساتل، ۲۰۱۰). در این نوع نگرش به دستور، با توجه به نگاه شناختی حاکم، تمایزی بین سطوح معناشناسی و منظورشناسی وجود ندارد و هیچ ساختی از ساخت دیگر استخراج نمی‌شود؛ به عبارتی، اعتقادی به ژرف‌ساخت و روساخت وجود ندارد و باور بر این است که هر ساخت زبانی، دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است. براساس نگاه ساختی، معنای یک ساخت، چیزی فراتر از مجموع معانی اجزای سازنده آن‌ها است (کرافت و کروز، ۲۰۰۴: ۲۵۷) و در بررسی‌ها، بر ویژگی‌های معنایی، کلامی و شرایط کاربرد ساخت‌ها تأکید می‌شود (گلدبرگ و ساتل، ۲۰۱۰).

بررسی فیلمور و دیگران (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که اصطلاحات، از ویژگی‌های مختلف نحوی، معنایی و منظورشناختی برخوردار هستند. فیلمور و دیگران (۱۹۸۸) اصطلاحات را به انواع رمزگذار^۱ و رمزگردان^۲، دستوری^۳ و فرادستوری^۴، جوهری و صوری، با اهداف منظورشناختی و بدون اهداف منظورشناختی^۵ تقسیم‌بندی می‌کنند.

اصطلاحات رمزگردان، اصطلاحاتی هستند که سخنور قادر به درک آن نیست، مگر آنکه آن‌ها را به طور جداگانه فراگرفته باشد. در مقابل، اصطلاحات رمزگذار، اصطلاحاتی را شامل می‌شوند که احتمال درک آن‌ها به وسیله سخنور وجود دارد، بی آنکه آن‌ها را از قبل تجربه کرده باشند؛ برای مثال، اصطلاح «دسته گل به آب دادن» (نجفی، ۱۳۷۸: ۶۶۵) به مفهوم «برای کسی گرفتاری درست کردن یا مرتکب خطایی فاحش شدن»، اصطلاحی رمزگردان است و مفهوم آن براساس درک معنای تحت‌اللفظی واژگان سازنده، قابل تشخیص نیست، اما اصطلاح «سر عقل آمدن» (نجفی، ۱۳۸۷: ۸۷۹) به مفهوم «دوباره عاقلانه رفتار کردن»، اصطلاحی رمزگذار است که شنونده، حتی پس از شنیدن برای اولین بار، ممکن است آن را درک کند. اصطلاحات رمزگذار، در مقایسه با اصطلاحات رمزگردان، از شفافیت نسبی در بیان مفهوم برخوردار هستند، اما از این جهت اصطلاح به شمار می‌آیند که تا پیش از شنیدن آن‌ها، نمی‌توان پیش‌بینی کرد که ترکیب اصطلاحی شنیده‌شده، روش معمولی برای بیان یک مفهوم خاص است یا خیر.

1. encoding
2. decoding
3. grammatical
4. extragrammatical
5. idioms with and without pragmatic point

در اصطلاحات دستوری، توالی نحوی برپایه همان قواعد متعارف نحوی زبان است، اما اصطلاحات فرادستوری، دارای واژگان متعارف و توالی نحوی غیر متعارف هستند؛ به طوری که برپایه قواعد معمول نحوی نمی‌توان آن‌ها را توصیف کرد. در زبان فارسی، اصطلاح «این است که هست» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۰۳) به مفهوم «چاره‌ای نیست»، فرادستوری است و مطابق بر روال متعارف ساخت نحوی زبان فارسی نیست و اصطلاح «تن کسی را توی قبر لرزاندن» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۰۷۵) به مفهوم «با عمل خود روح شخص مرده‌ای را مشوش کردن»، دستوری و مطابق بر روال متعارف نحوی است.

اصطلاحات جوهری، از لحاظ واژگانی، طبقه‌ای بسته را شامل می‌شوند. همه اصطلاحاتی که پیش‌تر با عنوان رمزگذار، رمزشکن، دستوری و فرادستوری بحث شدند، از لحاظ واژگانی، بسته به شمار می‌آیند و جوهری هستند. در مقابل، اصطلاحات صوری، نمای طرح‌واره‌ای دارند و بخشی از صورت آن‌ها را می‌توان با انواع واژگان تکمیل کرد؛ بنابراین، این‌گونه اصطلاحات، از لحاظ واژگانی، طبقه‌ای باز را تشکیل می‌دهند. طرح‌واره «این + اسم + هم + همان اسم + بودن» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۰۳)، به مفهوم «چیز مورد بحث ارزشی ندارد»، یک اصطلاح صوری است که می‌تواند با دامنه‌ای از واژگان تکمیل شود:

۳) الف: «اینجا هم جا بود ما آمدیم خانه گرفتیم؟ از بس این سربالایی را بالا آمدم، همین یکی دو ماهه شش کیلو لاغر شده‌ام.» (پزشکزاد، ۱۳۳۸: ۳۶).

ب: «برو بابا! این پول‌ها هم پول است؟» (مکارمی، ۱۳۴۲: ۱۱۰)

برخی از اصطلاحات جوهری، اهداف منظورشناختی ویژه‌ای را دنبال می‌کنند؛ برای مثال، اصطلاح «دماغ کسی چاق‌بودن» (نجفی، ۱۳۸۷: ۶۹۷)، برای احوال‌پرسی به‌کار می‌رود، اما بسیاری از اصطلاحات، همچون «این است که هست» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۰۳)، از این منظر خنثی هستند و نمی‌توان نقش کارکردی ویژه‌ای را برای آن‌ها در نظر گرفت.

جدول (۱) انواع اصطلاحات را از نگاه فیلمور و دیگران (۱۹۹۸) نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، برخی از اصطلاحات در بیش از یک مقوله قرار می‌گیرند.

جدول (۱). انواع اصطلاحات از نگاه فیلمور و دیگران (۱۹۹۸)

نوع اصطلاح	ویژگی	مثال
رمزگردان	اگر قبلاً نشنیده باشیم، قابل درک نیست.	دسته‌گل به‌آب‌دادن
رمزگذار	اگر قبلاً نشنیده باشیم، احتمالاً قابل درک است.	سر عقل آمدن
دستوری	دارای توالی نحوی متعارف	تن کسی را توی قبر لرزاندن

ادامه جدول (۱). انواع اصطلاحات از نگاه فیلمور و دیگران (۱۹۹۸)

نوع اصطلاح	ویژگی	مثال
فرداستوری	دارای توالی نحوی غیر متعارف	این است که هست
جوهری	طبقه بسته واژگانی	دسته گل به آب دادن؛ سر عقل آمدن؛ تن کسی را توی قبر لرزاندن؛ این است که هست
صوری	طبقه باز واژگانی	این + اسم + هم + همان اسم + بودن (برو بابا! این پول‌ها هم پول است؟)
با اهداف منظورشناختی	با کارکرد ویژه در بافت	دماغ کسی چاق بودن
بدون اهداف منظورشناختی	خشی از لحاظ کارکرد ویژه	این است که هست

فیلمور و دیگران (۱۹۹۸)، پس از دسته‌بندی اصطلاحات، به بررسی اصطلاح صوری «let alone» (چه برسد به اینکه) می‌پردازند تا نشان دهند اصطلاحات صوری از منظر نحوی، معنایی و منظورشناختی ویژگی‌هایی دارند که بر اساس درک ما از قواعد معمول نحوی و معنایی زبان، قابل پیش‌بینی نیستند. اصطلاح صوری «let alone»، از نظر نحوی دارای ساختار پیچیده‌ای است؛ برای مثال، این اصطلاح همانند حرف ربط «and» (و)، برخی ساخت‌ها را به هم ربط می‌دهد. مثال (a) هم با «and» و هم با «let alone» به کار می‌رود، اما این دو، همیشه نیز قابل جایگزینی نیستند و در (b) نمی‌توان «let alone» را به جای «and» قرار داد:

4) a Max won't eat SHRIMP, let alone/and SQUID.

ماکس میگو هم نمی‌خورد، چه برسد به خرچنگ.

*b. Shrimp let alone Squid Moishe won't eat.

همین‌طور، اگر از منظر ساخت تأکیدی به جمله شامل «let alone» نگاه کنیم (مثال a)، استفاده از «let alone» موجب شده است که تکیه^۱ بر روی واژه‌های SHRIMP و SQUID قرار گیرد و بدین صورت، بر موضوع تأکید شود.

اصطلاح صوری «let alone» از لحاظ منظورشناختی نیز ویژه است. در گفتمان، اطلاعات کم‌اهمیت‌تر در ابتدا می‌آیند و اطلاعات مهم‌تر، به تبع آن ظاهر می‌شوند. در مثال (a)، جمله «he didn't even make colonel» (او حتی سرهنگ هم نیست) که به تبع «in fact» (درواقع) آمده است، از لحاظ نوع اطلاعات، مهم‌تر است و جمله نخست، یعنی «He didn't make general» (او ژنرال نیست)، به نوعی پیش‌زمینه برای جمله دوم به‌شمار می‌رود؛ در حالی که در جمله (b) کاربرد «let alone»، موجب جابه‌جایی

اطلاعات مهم‌تر به ابتدای کلام شده است:

- 5) a. He didn't make general; in fact, he didn't even make colonel.
b. He didn't even make colonel, let alone general.

بررسی فیلمور و دیگران (۱۹۹۸) نشان داد که ساخت صوری «det alone»، دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است. این ساخت، در جایگاه حرف ربط، همیشه با حرف ربط «and» قابل جایگزینی نیست و نوعی ساخت تأکیدی به‌شمار می‌آید؛ همچنین، از لحاظ منظورشناختی، با کاربرد «det alone»، اطلاعات مهم‌تر در آغاز کلام قرار می‌گیرند.

۴- «اگر»-ساخت‌ها در زبان فارسی

در اینجا، ضمن دسته‌بندی «اگر»-ساخت‌ها به انواع صوری و جوهری، به تحلیل ویژگی‌های منحصر به فرد این ساخت‌ها در سطوح نحوی، معنایی و آوایی خواهیم پرداخت. این ویژگی‌ها، «اگر»-ساخت‌های صوری و جوهری را از ساخت شرطی متمایز می‌سازند.

۴-۱- اصطلاحات صوری شامل «اگر»

این ساخت‌ها، شامل طرح‌واره‌هایی هستند که کلیت یک مفهوم را بیان می‌کنند. در زیر، ضمن ارائه طرح‌واره‌های شامل «اگر» و مفهوم آن‌ها، به بیان ویژگی‌هایشان خواهیم پرداخت:

۴-۱-۱- اگر + فعل در وجه التزامی

(۶) «هزار تا آدم در روز می‌کشند. اگر یکی دو تاش معلوم بشود.» (شهری، ۱۳۵۷: ۴۳۶).
(۷) «این جور اتفاقات را باباهای ما ندیده‌اند. هر پنج شش نسل یک بار، آن‌هم به‌زور، اگر چنین پیشامدهایی بکند.» (آل احمد، ۱۳۴۰: ۱۳۴).

اصطلاح صوری «اگر + فعل در وجه التزامی»، مفهوم کلی «احتمال ضعیف» را بیان می‌کند. مفهوم جمله (۶) این است که: هزارتا آدم در روز می‌کشند و به احتمال ضعیف یکی دو تاش معلوم می‌شود و مفهوم جمله (۷) این است که: هر پنج شش نسل یک بار، آن‌هم به‌زور و به احتمال کم، چنین اتفاق‌هایی پیش می‌آید. در مثال (۷)، دو عبارت «هر پنج شش نسل یک بار» و «آن‌هم به‌زور»، بر ضعیف بودن احتمالی تأکید می‌کنند که با اصطلاح صوری بیان می‌شود.

از نظر نحوی، طرح‌واره «اگر + فعل در وجه التزامی» توالی نحوی غیر متعارفی است؛ زیرا با ظاهری شبیه به بند شرط، از منظر نحوی مستقل است و نتیجه شرط ندارد؛ در حالی که کلیت یک مفهوم را

به‌طور مستقل بیان می‌کند. این طرح‌واره در انتهای کلام می‌آید و از منظر آوایی، همانند جملات خبری، دارای آهنگ افتان است؛ بنابراین، اصطلاح صوری «اگر + فعل در وجه التزامی»، از سه جنبه معنایی، نحوی و آوایی دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است.

- ۴-۱-۲- سوگند + اگر + گروه اسمی + (گروه حرف اضافه‌ای) + فعل در صیغه ماضی / وجه التزامی
(۸) «خدا به سر شاهد است، اگر من با کرم‌علی ساخت و پاخت داشته باشم.» (هدایت، ۱۳۳۳: ۳۹)
(۹) «به این سوی چراغ، اگر ما بودیم.» (پزشکزاد، ۱۳۵۱: ۱۲۵).
(۱۰) «به ارواح پدرم، اگر یک گلوله از تفنگ من شلیک شد.» (پزشکزاد، ۱۳۵۱: ۱۸۰).

اصطلاح صوری «سوگند + اگر + گروه اسمی + (گروه حرف اضافه‌ای) + فعل در صیغه ماضی / وجه التزامی»، بر مفهوم «انکار» دلالت دارد. این طرح‌واره دارای توالی نحوی غیر متعارف است؛ زیرا با ظاهری شبیه به بند شرط، از منظر نحوی و معنایی مستقل است و کلیت مفهوم «انکار و نفی» را بیان می‌کند. اصطلاح صوری مذکور، در شواهد، به دنبال عبارتی دال بر «سوگند» آمده است. عبارتهای سوگندی، در این اصطلاح نقش تأکیدی دارند و آن گونه که از مثال‌ها مشخص است، حضورشان اجباری است. به نظر می‌رسد کلیت مفهوم «انکار و نفی» در این اصطلاح، وابسته به حضور یک سوگند است و چنانچه سوگند را از اصطلاح جدا سازیم، آنچه باقی می‌ماند یک بند شرطی ناقص است که لزوماً معنای اصطلاحی از آن ایفاد نمی‌شود.

از منظر مقایسه، اصطلاح «اگر + فعل در وجه التزامی»، تفاوتی کلامی با اصطلاح «سوگند + اگر + گروه اسمی + (گروه حرف اضافه‌ای) + فعل در صیغه ماضی / وجه التزامی» دارد. در این راستا، مثال (۶) را با (۸) مقایسه می‌کنیم. در مثال (۶)، مفهوم اصطلاح «اگر + فعل در وجه التزامی» به خارج طرح‌واره و جمله ماقبل، ارجاع دارد؛ یعنی آنکه مفهوم طرح‌واره، احتمالی است که در جمله قبل صدق می‌کند و ارجاع ضمیر متصل «ش» به «آدم‌های کشته‌شده» در جمله قبل، گواه این ادعا است، اما جمله (۸)، ارجاعی به جمله قبل ندارد؛ به عبارتی، اصطلاح «سوگند + اگر + گروه اسمی + (گروه حرف اضافه‌ای) + فعل در صیغه ماضی / وجه التزامی» از لحاظ متن و مفهوم مستقل است و مفهوم «انکار و نفی» به فعل موجود در ساخت شامل «اگر» برمی‌گردد.

به نظر می‌رسد جابه‌جایی در توالی نحوی اصطلاح صوری «سوگند + اگر + گروه اسمی + (گروه حرف اضافه‌ای) + فعل در صیغه ماضی / وجه التزامی»، موجب خروج از معنای اصطلاحی و بدساختی معنایی می‌شود:

(۱۱) الف: ؟ اگر من با کرم‌علی ساخت و پاخت داشته باشم، خدا به سر شاهد است!

(۱۱) ب: ؟ با کرم‌علی اگر من ساخت و پاخت داشته باشم، خدا به سر شاهد است!

از این رو می‌توان گفت که در اصطلاح بالا، امکان جابه‌جایی در توالی نحوی وجود ندارد و این اصطلاح از لحاظ عدم امکان جابه‌جایی نحوی، منحصر به فرد است. از لحاظ ویژگی‌های آوایی نیز، اصطلاح پیش‌گفته دارای آهنگ افتان و متفاوت از آهنگ خیزان بند شرط است.

۴-۱-۳- جمله + اگر + فعل ماضی مطلق

(۱۲) «حالا باش و سیاحت کن که روزگار چه تقاضی از آن نامرد بگیرد... اگر به گدایی و دربه‌داری نيفتاد.» (صفوی، ۱۳۵۰: ۲۱۱).

(۱۳) «بین بزرگ‌تره‌هايت چه می‌گویند. حرف بشنو، اگر ضرر کردی.» (میرصادقی، ۱۳۴۷: ۴۷)

(۱۴) «کمال داد زد من وِرشان می‌دارم می‌آورمشان، اگر نیاوردم.» (میرصادقی، ۱۳۴۹: ۱۷)

اصطلاح صوری «جمله + اگر + فعل ماضی مطلق»، مفهوم «قطعیت» را بیان می‌کند؛ قطعیتی که حالت مقابل گزاره است؛ یعنی آنکه گزاره منفی را مثبت و گزاره مثبت را منفی می‌کند؛ برای مثال مفهوم «اگر به گدایی و دربه‌داری نيفتاد» در جمله (۱۲) این است که «قطعاً» به گدایی و دربه‌داری می‌افتد. این اصطلاح، دارای توالی نحوی نامتعارف است و فقط در صیغه ماضی ویژگی اصطلاح‌بودن خود را حفظ می‌کند. اگر اصطلاح صوری موجود در مثال (۱۳) را با فعل مضارع به کار ببریم، ضمن خروج از مفهوم اصطلاحی، از لحاظ معنایی، بدساخت می‌شود:

(۱۵) ؟ بین بزرگ‌تره‌هايت چه می‌گویند. حرف بشنو، اگر ضرر بکنی.

اصطلاح «جمله + اگر + فعل ماضی مطلق»، عنصر پایانی در کلام است (۱۲ و ۱۳ و ۱۴) و به دنبال جملاتی می‌آید که مفهوم «قطعیت» به آن‌ها تعمیم می‌یابد؛ همچنین، این اصطلاح از لحاظ آوایی، آهنگ افتان دارد.

۴-۱-۴- اگر + فعل ماضی مطلق + (جمله)

(۱۶) «اگر گفتی کی امشب می‌خواهد بیاید!» (میرصادقی، ۱۳۴۷: ۱۵۰)

(۱۷) «اگر از این بالا پریدی پایین!» (مهتدی، ۱۳۴۹: ۱۷۱)

اصطلاح صوری «اگر + فعل ماضی مطلق + (جمله)»، به مفهوم «ترغیب و شرط‌بندی» است و با ظاهری شبیه به بند شرطی، فاقد نتیجه شرط و در نتیجه دارای توالی غیر متعارف نحوی است. تغییر در زمان

فعل اصطلاح و اضافه کردن نتیجه شرط به این دو مثال، موجب خروج آن از معنای اصطلاحی می‌شود:

۱۸) الف: اگر گفته بودی کی امشب می‌خواهد بیاید، خودم را زودتر می‌رساندم.

ب: اگر از این بالا پیری پایین، آسیب می‌بینی.

اصطلاح «اگر + فعل ماضی مطلق + (جمله)»، دارای آهنگ افتان است و چنانچه با آهنگ خیزان

بیان شود، از مفهوم اصطلاحی خارج می‌شود و یک بند شرطی است.

۴-۱-۵- اگر این + اسم / صفت + است

۱۹) «اگر این سلیطه است، همه‌کار می‌تواند بکند.» (پزشکزاد، ۱۳۵۱: ۳۵۵)

۲۰) «اگر این وروره جادوست، سر همه ما را می‌خورد و جان به عزرائیل نمی‌دهد!» (پهلوان، ۱۳۵۳: ۵۳)

اصطلاح «اگر این + اسم / صفت + است»، اصطلاحی صوری با واژگان باز و از نظر توالی نحوی،

متعارف است و مفهوم «تأکید» را به اسم / صفت می‌افزاید. این اصطلاح صوری، برخلاف سایر

اصطلاحات صوری بحث شده، از ظاهری شبیه ساخت شرطی برخوردار است و دارای دو بند پایه و

پیرو است و از آهنگ خیزان نیز برخوردار است؛ با وجود این، یک ساخت شرطی به‌شمار نمی‌آید. در

ساخت معمول شرطی، می‌توان جای پایه و پیرو را عوض کرد؛ برای مثال، ساخت شرطی «اگر درس

بخوانی، در امتحانات موفق می‌شوی» را می‌شود به‌صورت «در امتحانات موفق می‌شوی اگر درس

بخوانی» بیان کرد تا با انتقال نتیجه شرط به ابتدای کلام، تأکید بیشتری بر نتیجه شرط اعمال شود. امّا، با

توجه به اینکه اصطلاح صوری «اگر این + اسم / صفت + است»، خود مفهوم «تأکید» را بیان می‌کند،

به‌نظر می‌رسد جابه‌جایی سازه‌ها موجب کاستن از «تأکید» می‌شود:

۲۱) همه‌کار می‌تواند بکند اگر این سلیطه است!

۴-۱-۶- اگر بگویی + جمله + قید نفی / فعل متعاقب «اگر» در صیغه منفی

۲۲) «اگر بگویی نماز و روزه‌اش یک روز ترک می‌شود، نمی‌شود.» (میرصادقی، ۱۳۴۵: ۱۰۸)

۲۳) «اگر بگویی یک ذره بو یا دود، ابدًا.» (آل احمد، ۱۳۵۶: ۵۴)

اصطلاح «اگر بگویی + جمله + قید نفی / فعل متعاقب «اگر» در صیغه منفی»، دارای توالی نحوی

غیر متعارف است. این اصطلاح، تکیه کلامی دال بر «انکار و نفی» است و حضور فعل دوم به صیغه

منفی یا آوردن قیدی مانند «ابدًا»، به‌جهت افزودن بر شدت «تأکید» است. فعل پس از «اگر»، در وجه

التزامی می‌آید و از منظر زمان، تغییرپذیر نیست.

۴-۱-۷- اگر شده + جمله با فعل در وجه التزامی + جمله پیرو

(۲۴) «اگر شده تا آخر عمرم از اتاق بیرون نیایم، تن به این کار نمی‌دهم.» (کازمیه، ۱۳۴۷: ۲۵)

(۲۵) «اگر شده خودم را به صُلبه بکشم، باید توی همین شهر کار پیدا کنم.» (شهری، ۱۳۵۷: ۳۳۷)

اصطلاح «اگر شده + جمله با فعل در وجه التزامی + جمله پیرو»، به واسطه توالی «اگر + شده»، از لحاظ نحوی غیر متعارف است و مفهوم «تأکید» را به جمله پیرو می‌افزاید. ساخت «اگر شده» از لحاظ مفهوم، همانند «حتی اگر» است. در مثال (۲۶)، با حفظ مفهوم، شاهد جایگزینی «حتی اگر» به جای «اگر شده» در مثال (۲۵) هستیم:

(۲۶) حتی اگر خودم را به صُلبه بکشم، باید توی همین شهر کار پیدا کنم.

البته، برپایه قابلیت جایگزینی «حتی اگر» به جای «اگر شده»، با حفظ مفهوم واحد، نمی‌توان نتیجه گرفت که «اگر شده» و «حتی اگر»، همیشه رفتار نحوی یکسانی دارند؛ جابه‌جایی سازه‌ها در ساخت شامل «حتی اگر»، (۲۷) امکان‌پذیر است:

(۲۷) باید توی همین شهر کار پیدا کنم، حتی اگر خودم را به صُلبه بکشم.

در صورتی که چنین جابه‌جایی‌ای در ساخت شامل «اگر شده»، موجب خروج از مفهوم «تأکید» و حتی بدساختی معنایی می‌شود.

(۲۸) ؟ باید توی همین شهر کار پیدا کنم، اگر شده خودم را به صُلبه بکشم.

۴-۱-۸- اگر + فعل ماضی مطلق در صیغه مثبت + تکرار همان فعل در صیغه منفی

(۲۹) «اگر طرف گاری من آمدی، نیامدی.» (هدایت، ۱۳۳۳: ۴۴).

(۳۰) «اگر از اینجا رد شدید، نشدید قلم پایتان را خرد می‌کنم.» (هدایت، ۱۳۳۰: ۲۰)

اصطلاح صوری «اگر + فعل ماضی مطلق در صیغه مثبت + تکرار همان فعل در صیغه منفی»، مفهوم «تهدید» را بیان می‌کند. در این اصطلاح، توالی افعال (یکی در صیغه مثبت و یکی در صیغه منفی) موجب غیر متعارف شدن توالی نحوی شده است. بدیهی است اگر فعل دوم این اصطلاح را حذف کنیم، دیگر تهدیدی هم باقی نمی‌ماند و ساخت باقی‌مانده، اصطلاح صوری نیست و تنها یک بند شرطی است که در حالت متعارف نیاز به نتیجه شرط هم دارد؛ برای مثال، اصطلاح (۳۰)، با حذف فعل «نشدید» تبدیل به یک ساخت شرطی می‌شود:

(۳۱) اگر از اینجا رد شدید، قلم پایتان را خرد می‌کنم.

جدول (۲) نمای طرح‌واره‌ای اصطلاحات صوری شامل «اگر» را با ذکر مفهوم و نوع توالی نحوی و ویژگی آوایی آن‌ها نشان می‌دهد:

جدول (۲). اصطلاحات صوری شامل «اگر»

آهنگ کلام	توالی نحوی	مفهوم	نمای طرح‌واره‌ای
افتان	غیر متعارف	احتمال ضعیف	اگر + فعل در وجه التزامی
افتان	غیر متعارف	انکار و نفی	سوگند + اگر + گروه اسمی + (گروه حرف اضافه‌ای) + فعل در صیغه ماضی / وجه التزامی
افتان	غیر متعارف	قطعیت	اگر + فعل ماضی مطلق
افتان	غیر متعارف	ترغیب و شرط‌بندی	اگر + فعل ماضی مطلق
خیزان	متعارف	تأکید	اگر این + اسم / صفت + است
خیزان	غیر متعارف	انکار و نفی	اگر بگویی + جمله + قید نفی / فعل متعاقب «اگر» در صیغه منفی
خیزان	غیر متعارف	تأکید	اگر شده + جمله با فعل در وجه التزامی + جمله پیرو
خیزان	غیر متعارف	تهدید	اگر + فعل ماضی مطلق در صیغه مثبت + تکرار همان فعل در صیغه منفی

۴-۲- اصطلاحات جوهری شامل «اگر»

«اگر»-ساخت‌های جوهری، مفاهیمی همچون تعجیل، آرزو، خواهش، امر محال و اعتراض را در قالب تکیه‌کلام بیان می‌کنند و حذف آن‌ها، موجب بدساختی جمله از منظر نحوی و معنایی نمی‌شود.

۴-۲-۱- اگر بدانی / بدانید

(۳۲) «شوهرش را اگر بدانی چقدر بداخلاق است.» (چهل تن، ۱۳۷۱: ۹۹)

(۳۳) «اگر بدانید چه خدمتی در راه فغفورالدوله کردم تا صدراعظم شد.» (جمال‌زاده، ۱۳۲۰: ۴۵)

اصطلاح جوهری «اگر بدانی / بدانید»، برای «بیان آرزو» به کار می‌رود و یک سازه قابل جابه‌جایی است (۳۲ و ۳۳). این اصطلاح از توالی نحوی غیر متعارف برخوردار است؛ یعنی آنکه یک ساخت مستقل فاقد نتیجه شرط است و می‌توان آن را از جمله حذف کرد.

۴-۲-۲- اگر آب دستش است، بگذارد زمین

(۳۴) «بدو برو حجره عمویت بگو اگر آب دستش است بگذارد زمین و یک تُکِ پا بیاید اینجا.» (آل

احمد، ۱۳۵۶: ۳۰)

اصطلاح «اگر آب دستش است بگذارد زمین»، به مفهوم «تعجیل» است و از لحاظ نحوی انعطاف‌پذیری دارد. در مثال (۳۴) دیده می‌شود که به صورت پس‌اندیشه^۱ آمده است؛ یعنی آنکه سازه‌ای که جایگاه بی‌نشان آن پیش از فعل است (زمین)، به پس از فعل منتقل شده است (راسخ‌مهند، ۱۳۸۸: ۳۱). این اصطلاح از منظر نحوی، متعارف است و ظاهر شرط و نتیجه شرط دارد؛ بنابراین، اصطلاح بودن این ساخت، تنها به واسطه مفهوم غیر شرطی آن است.

۴-۲-۳- اگر از من می‌شنوی

(۳۵) «اگر از من می‌شنوی، بگذار درسش را بخواند. حالا که خودش شوقش را دارد شما چرا می‌خواهید جلوش را بگیرید؟» (میرصادقی، ۱۳۴۹: ۱۹)

اصطلاح «اگر از من می‌شنوی»، یک اصطلاح جوهری با توالی نحوی متعارف است. مفهوم این اصطلاح، «خواهش می‌کنم حرف من را بشنو» است و یک «خواهش» را بیان می‌کند و از این جهت که با ساخت وجهی، خواهش یا درخواستی را بیان می‌کند، اصطلاح به‌شمار می‌رود. اصطلاح مورد بحث، از منظر نحوی تغییرپذیر نیست؛ برای مثال، نمی‌توان زمان فعل را با حفظ مفهوم اصطلاحی آن تغییر داد.

۴-۲-۴- اگر شاه‌رگم را بزیند

(۳۶) «اگر شاه‌رگم را بزیند، بیش از دو قران تمام نشده که نشده.» (هدایت، ۱۳۱۳: ۱۴۸)

اصطلاح جوهری «اگر شاه‌رگم را بزیند»، عبارتی دال بر سوگند است و مفهوم آن، تأکید «امر محال» برای گزاره‌ای است که به دنبال آن می‌آید. این اصطلاح، از منظر نحوی متعارف و منجمد است؛ زمان فعل داخل اصطلاح، تغییرناپذیر است و حتی برخلاف سایر عبارت‌های سوگندی (۳۸)، نمی‌توان آن را به پایان کلام انتقال داد (۳۷):

(۳۷) بیش از دو قران تمام نشده که نشده، اگر شاه‌رگم را بزیند.

(۳۸) بیش از دو قران تمام نشده که نشده، به جان خودم!

اصطلاح «اگر شاه‌رگم را بزیند»، از منظر شناختی مبتنی بر دانش قراردادی است؛ یعنی آنکه به تجربه‌ای در دنیای واقعی اشاره دارد. زده‌شدن شاه‌رگ، برابر با مرگ است! بر این اساس، می‌توان اذعان داشت که برخی اصطلاحات جوهری، مبتنی بر سازوکارهای شناختی هستند و مفهوم آن‌ها با لحاظ این

سازوکارها ترکیب‌پذیر است.

۴-۲-۵- اگر پشت گوشتان را دیدید

(۳۹) «هرچه قاصد برای روزنامه پیش سید مرتضی فرستادند، اگر پشت گوشتان را دیدید، روزنامه ... را دیدند.» (هدایت، ۱۳۲۳: ۳۳).

اصطلاح «اگر پشت گوشتان را دیدید»، نمونه‌ای دیگر از اصطلاحات جوهری مبتنی بر دانش قراردادی است و کنایه از تأکید بر «امر محال» در مفهوم گزاره‌ای است که پس از آن آمده است. این اصطلاح، از منظر نحوی متعارف و منجمد است و زمان فعل آن تغییرناپذیر است.

۴-۲-۶- اگر صدا از دیوار درآمد

(۴۰) «با پنبه سرشان را می‌بریدند و ... خونشان را می‌مکیدند و اگر صدا از دیوار در می‌آمد، از آن‌ها در نمی‌آمد.» (هدایت، ۱۳۲۳: ۶۹).

اصطلاح «اگر صدا از دیوار در آمد»، کنایه از تأکید بر «امر محال» است. این اصطلاح جوهری، مبتنی بر دانش قراردادی و از لحاظ نحوی متعارف و تا حدی تغییرپذیر است و فعل آن از منظر زمان انعطاف‌پذیری دارد:

(۴۱) اگر صدا از دیوار در بیاد از منم در میاد!

۴-۲-۷- اگر کسی گفت چرا!

(۴۲) «یک سال دیگر هم ... صبر کن. بعد دیگر دست خودت است... اگر کسی گفت چرا.» (میرصادقی، ۱۳۴۹: ۲۲۱).

اصطلاح «اگر کسی گفت چرا»، دارای آهنگ افتان و از لحاظ توالی نحوی، غیر متعارف است و مفهوم «اعتراض» را بیان می‌کند. غیر متعارف بودن نحوی این اصطلاح از آن جهت است که صورت بی‌نشان این اصطلاح، به صورت پس‌آیند شده است و اگر از حالت پس‌آیندشدگی خارج شود، صورت متعارف آن، یعنی «اگر کسی چرا گفت»، یک بند شرطی غیر اصطلاحی است:

(۴۳) ؟ یک سال دیگر هم ... صبر کن. بعد دیگر دست خودت است... اگر کسی چرا گفت.

جدول (۳) اصطلاحات جوهری شامل «اگر» را با بیان مفهوم اصطلاحی، نوع توالی نحوی و ویژگی برزنجیری آهنگ نشان می‌دهد:

جدول (۳). اصطلاحات جوهری شامل «اگر»

اصطلاح	مفهوم	توالی نحوی	آهنگ کلام
اگر بدانی / بدانید	بیان آرزو	غیر متعارف	افتان
اگر آب دستش است، بگذارد زمین	تعجیل	متعارف	خیزان
اگر از من می‌شنوی	خواهش	متعارف	خیزان
اگر شاه‌رگم را بزنی	امر محال	متعارف	خیزان
اگر پشت گوشتان را دیدید	امر محال	متعارف	خیزان
اگر صدا از دیوار درآمد	امر محال	متعارف	خیزان
اگر کسی گفت چرا	اعتراض	غیر متعارف	افتان

۵- نتیجه‌گیری

اصطلاحات صوری شامل «اگر» در زبان فارسی، مفاهیمی همچون «احتمال ضعیف»، «انکار و نفی»، «قطعیت»، «ترغیب و شرط‌بندی»، «تأکید» و «تهدید» را بیان می‌کنند و اصطلاحات جوهری شامل «اگر»، به بیان مفاهیمی همچون «آرزو»، «تعجیل»، «خواهش»، «امر محال» و «اعتراض» می‌پردازند. به جز اصطلاح صوری «اگر این + اسم / صفت + است» (۴-۱-۵)، بقیه اصطلاحات صوری بررسی شده، دارای توالی نحوی غیر متعارف هستند و از لحاظ نحوی، منحصر به فرد به شمار می‌روند، اما اصطلاحات جوهری شامل «اگر»، بیشتر به توالی نحوی متعارف گرایش دارند و از این جهت تفاوتی با غیر اصطلاحات ندارند؛ افزون بر این، محدودیت‌های نحوی نیز بر اصطلاحات صوری و جوهری حاکم است؛ برای مثال، جابه‌جایی در توالی نحوی اصطلاح صوری «سوگند + اگر + گروه اسمی + (گروه حرف اضافه‌ای) + فعل در صیغه ماضی / وجه التزامی» (۴-۱-۲) و تغییر در زمان فعل اصطلاح جوهری «اگر از من می‌شنوی» (۴-۲-۳)، باعث خروج آن‌ها از مفهوم اصطلاحی شده است؛ همچنین، ویژگی زبر زنجیری آهنگ، یک ویژگی ساختی منحصر به فرد در برخی «اگر»-ساخت‌های صوری و جوهری است؛ برای مثال، اصطلاح صوری «اگر + فعل در وجه التزامی» (۴-۱-۱) و اصطلاح جوهری «اگر کسی گفت چرا» (۴-۲-۱)، همانند جملات خبری، دارای آهنگ افتان هستند.

کلیت مفهوم در برخی اصطلاحات صوری، به درون «اگر»-ساخت (مثال ۶) و در برخی دیگر، به خارج از «اگر»-ساخت (مثال ۸) ارجاع دارد؛ البته، برخی اصطلاحات صوری از این منظر تغییرپذیر هستند؛ یعنی آنکه مفهوم طرح‌واره، هم به خارج اصطلاح (مثال ۱۶) و هم به داخل اصطلاح (مثال ۱۷) ارجاع دارد.

منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۳۱). زن زیادی. تهران: [بدون ناشر].
- (۱۳۴۰). *نون و القلم*. تهران: کتاب زمان.
- (۱۳۵۶). *پنج داستان*. تهران: رواق.
- ابن‌الرسول، سید محمد رضا؛ سمیه کاظمی نجف‌آبادی و مه‌ری کاظمی (۱۳۹۵). رابطه معنایی جمله‌واره پایه و پیرو در جمله‌های شرطی زبان فارسی. *ادب فارسی*، ۱۷ (۱)، ۹۳-۱۱۲.
- بقایی، عاطفه و مهرداد نغزگوی کهن (۱۳۹۷). زمان دستوری جهان‌های ممکن ساخت شرطی در زبان فارسی معاصر. *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، ۳ (۶)، ۵۵-۷۱.
- پزشکزاد، ایرج (۱۳۳۸). *بویول*. تهران: نیل.
- (۱۳۵۱). *دایی جان ناپلئون*. تهران: صفی علیشاه.
- پهلوان، عباس (۱۳۵۳). *تشریفات*. تهران: امیرکبیر.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۲۰). یکی بود و یکی نبود. تهران: بنگاه پروین.
- چهل تن، امیرحسین (۱۳۷۱). *دیگر کسی صدایم نزد*. تهران: جویا.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۸). *گفتارهایی در نحو*. تهران: نشر مرکز.
- و مونا شمس‌الدینی (۱۳۹۱). طبقه‌بندی معنایی اصطلاحات فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی. *مجله ادب پژوهی*، ۶ (۲۰)، ۱۱-۳۲.
- شهری، جعفر (۱۳۵۷). *شکر تلخ*. تهران: امیرکبیر.
- صفوی، علی اصغر (۱۳۵۰). *قایقران رود پایین*. تهران: متین.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۳). طبقه‌بندی و ضبط افعال اصطلاحی فارسی. *نشر دانش*، ۴ (۴)، ۲۰-۴.
- فرمان‌فرمائی‌ان، عبدالعلی (۱۳۵۶). *سابقیه*. تهران: آگاه.
- کاظمیه، اسلام (۱۳۴۷). *قصه‌های کوچه دلخواه*. تهران: رز.
- کبیری، رؤیا و علی درزی (۱۳۹۴). جملات شرطی رویدادی در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۷ (۱۲)، ۴۸-۳۱.
- مکارمی، اصغر (۱۳۴۲). *شبگرد*. تهران: آبشار.
- ملکی، ساسان و محمد راسخ‌مهند (۱۳۹۸). تغییرپذیری در اصطلاحات دارای نام‌اندام سر در زبان فارسی. *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، ۲ (۸)، ۷-۳۵.
- مهدتی، فضل‌الله (۱۳۴۹). *افسانه‌ها*. تهران: امیرکبیر.
- میرصادقی، جمال (۱۳۴۵). *چشم‌های من خسته*. تهران: اشرفی.

- (۱۳۴۷). شب‌های تماشا و گل‌زرد. تهران: نیل.
- (۱۳۴۹). درازنای شب. تهران: کتاب‌زمان.
- مینوی، مجتبی (۱۳۴۹). داستان‌ها و قصه‌ها. تهران: خوارزمی.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی عامیانه. چاپ دوم، تهران: نیلوفر.
- هدایت، صادق (۱۳۱۳). وغوغ ساهاب. تهران: [بدون ناشر].
- (۱۳۲۳). ولنگاری. تهران: [بدون ناشر].
- (۱۳۳۰). حاجی آقا. تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۳۳). علویه خانم. تهران: امیرکبیر.

References

- Croft, W. & D. A. Cruise (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Culicover, W., J. Ray & J. Audring (2017). Multiword Constructions in the Grammar. *Topics in Cognitive Science*, 9 (3) 552-568.
- Fillmore, Ch. J., P. Kay & K. O'corner (1988). Regularity and Idiomaticity in Grammatical Constructions: The Case of Let Alone. *Language*, 64 (3), 501-538.
- Fraser, B. (1970). Idioms within a Transformational Grammar. *Foundations of Language*, 6 (1), 22-42.
- Goldberg, A. & L. Suttle (2010). Construction Grammar. *WIREs Cognitive Science*, (1), 468-477.
- Healey, A. (1968). English Idioms. *Kivung*, 1 (2), 71-108.
- Katz, J. & P. Postal (1963). The Semantic Interpretation of Idioms and Sentences Containing Them. *MIT Research Laboratory of Electronic Quarterly Progress Report*, (70), 275-282.
- Kooij, J. G. (1968). Compounds and Idioms. *Lingua*. (21), 250-268.
- Kovecses, Z. & P. Szabo (1996). Idioms: A View from Cognitive Semantics. *Applied Linguistics*, 17 (3), 326-355.
- Machonis, P. A. (1985). Transformations of Verb Phrase Idioms: Passivization, Particle Movement, Dative Shift. *American Speech*, 60 (4), 291-308.
- Wood, M. M. (1986). *A definition of idiom*. Bloomington, In: Indiana University Linguistics Club.